



تفاوت‌های جنسیتی در اوقات فراغت

خدیجه سفیری

استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا

فاطمه مدیری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد

اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران



مقدمه

اوقات فراغت به عنوان نمایی از سبک زندگی، مقوله‌ای است که افراد در طی آن با آرامش و اختیار می‌توانند علایق و تمایلات خود را به کار گیرند و فرصتی است تا ایشان ارزش‌ها و نگرش‌های پنهان خود را تعیین بخشیده، قدرت و مقاومت در عرصه زندگی را به نمایش بگذارند. از آنجا که در چنین اوقاتی، افراد نگرانی جدی در خصوص طرد یا ایجاد تنش در هنگام نمایش رفتارهای خود ندارند، می‌تواند زمینه را برای درک تحولات آرام و پنهان جامعه فراهم کرده، ابزار تجربی دقیق برای درک، فهم و استنباط واقعیت‌های فرهنگی در لایه‌های مختلف اجتماعی باشد. بهره‌وری از اوقات فراغت به عنوان «مجموعه‌ای از اشتغالات که فرد با رضایت خاطر برای استراحت یا تفریح و یا به منظور توسعه‌ی آگاهی‌ها یا فراگیری غیرانتفاعی و مشارکت اجتماعی به صورت داوطلبانه بعد از

تأهل و به دنیا آمدن فرزند، این تمایز و تفاوت‌ها را تشدید می‌کند و شاهدهی بر این مدعا که جنسیت عاملی مهم‌تر از طبقه در زمینه فراغت است، این موضوع که جنسیت به منزله‌ی متغیری اساسی به شمار آمده و عامل تبیین تفاوت‌ها در زمینه‌ی اوقات فراغت است در تحقیقات گرین هارگریوز، پارک، ویمبوش مورد تأکید قرار گرفته و سؤال اصلی ما در این مقاله است. آیا جنسیت در جامعه‌ی ما به عنوان عامل تبیین تفاوت‌ها در میزان اوقات فراغت و نحوه گذران آن مطرح است؟ آیا بین میزان فراغت و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت در زنان و مردان اختلاف وجود دارد؟ آیا رضایت زنان و مردان از فراغت خویش یکسان است؟ آیا اولویت‌های فراغتی در زنان و مردان با هم تفاوت دارد؟ برای پاسخ به این سؤالات بعد از مرور ادبیات تجربی موضوع در ایران و جهان، به یافته‌های حاصل از فراتحلیل مطالعات انجام شده در تحقیق می‌پردازیم.

رهایی از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی بدان می‌پردازد. «کوهستانی، ۱۳۷۸: ۵۱» می‌تواند عاملی در ایجاد آرامش و لذت در زندگی به شمار آید و از طرفی زمینه‌ی رشد و بالندگی در افراد را نیز فراهم آورد، در هنگام یکسان نیست و بنا بر اهمیت موضوع و همگن نبودن آن در افراد مختلف جامعه، بررسی آن در اقسام مختلف و مطالعه عوامل مؤثر بر این تفاوت‌ها ضروری است، گروهی معتقدند عامل تفاوت در میزان و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت جنسیت است؛ به گونه‌ای که به واسطه‌ی قرار گرفتن زنان و مردان در لایه‌های متفاوت اجتماعی که در آن، زنان غالباً در محیط خانه و خانواده به مراقبت‌های عاطفی و انجام امور خانگی مشغول هستند و مردان تحت حمایت این حوزه‌ی خصوصی قرار می‌گیرند و بهره می‌برند، تمایزاتی ایجاد می‌شود و در این مسیر، اشتغال زنان با ایجاد فشار مضاعف و مسئولیت دوگانه و متضاد،



رویکردهای نظری

در زمینه‌ی تفاوت‌های جنسیتی در اوقات فراغت به نظرهای تقریباً همگنی برمی‌خوریم که عمدتاً ناظر بر جامعه‌پذیری متفاوت زنان و مردان، تفاوت در محدودیت‌های اجتماعی و تقیدات ایشان، مسئولیت بالاتر زنان در امور خانه و نگهداری از فرزندان، غلبه و فرهنگ مردسالاری و تسلط ایشان بر فراغت زنان و ایجاد محدودیت از طرف ایشان می‌باشد. ما در این مقاله به مواردی از آنها اشاره خواهیم کرد:

متینگلی و بیانچی در تحقیق خود نشان دادند اوقات فراغت در زنان کمتر از مردان است. فراغت محض در ایشان کمتر است. فراغت ایشان بیشتر با کارهای خانگی آمیخته است، زنان بیشتر از مردان اوقات فراغت خود را با فرزندان‌شان سپری می‌کنند و بیشتر در زمان گذران اوقات فراغت نگران کارهای

خانه و کارهای بیرون از خانه هستند (متینگلی و بیانچی، ۲۰۰۳). منطبق بر این نظر، گرین نشان داد که زنان در این دسته از مطالعات (اوقات فراغت) نادیده گرفته شده‌اند و بزرگ‌ترین نقد بر حوزه‌ی جامعه‌شناسی فراغت را همسان‌پنداری زنان و مردان در این حوزه می‌داند و عنوان می‌کند که فقدان اوقات فراغت و دسترسی زنان به تفریح نباید به عنوان مشکل اجتماعی انگاشته شود؛ بلکه این مشکل جنبه‌ای از روابط جنسیتی است که از ویژگی‌های سرمایه‌داری پدرسالارانه می‌باشد و موجب می‌شود اوقات فراغت برای زنان مفهومی مبهم گردد، فراغت ایشان کم و ناچیز باشد، این اوقات بیشتر در خانه سپری شود، در این موضوع مردان از اقتدار مردانه استفاده کرده، به راحتی خروج زنان را منع می‌کنند و اجرای آن نیز ممکن است با تهدید یا اعمال خشونت جسمی همراه

گرین بزرگترین نقد بر حوزه‌ی جامعه‌شناسی فراغت را همسان‌پنداری زنان و مردان در این حوزه می‌داند و عنوان می‌کند که فقدان اوقات فراغت و دسترسی زنان به تفریح نباید به عنوان مشکل اجتماعی انگاشته شود؛ بلکه این مشکل جنبه‌ای از روابط جنسیتی است که از ویژگی‌های سرمایه‌داری پدرسالارانه می‌باشد و موجب می‌شود اوقات فراغت برای زنان مفهومی مبهم گردد، فراغت ایشان کم و ناچیز باشد، این اوقات بیشتر در خانه سپری شود.

باشد. (شفیعی، ۱۳۸۶) همچنین بیتمن و واجمن، (۲۰۰۰) نشان دادند که میزان اوقات فراغت زنان به‌طرز معنی‌داری از میزان فراغت مردان متفاوت است و امکان آمیختگی فراغت زنان با دیگر وظایف ایشان بیشتر از مردان است (متینگلی و بیانچی، ۲۰۰۳: ۶). همچنین آهنگ منقطع و بریده بریده فراغت زنان نسبت به مردان و طولانی‌تر بودن این توقفات، توسط بیتمن و واجمن (۲۰۰۰)، دیم (۱۹۹۶)، ویمبوش و تالبوت (۱۹۸۸)، نشان داده شده است. (ماتینگلی و بیانچی، ۲۰۰۳). همچنین در مقاله‌ی هارگریوز آمده کنترل تفریح زنان از سوی مردان به طرزی اعمال می‌شود که با اعمال قدرت در وجهه‌ی خصوصی مرتبط است و مردان مقدار زمانی را که همسران و فرزندان دختر آنها به هر فعالیت اجتماعی اختصاص می‌دهند تحت کنترل دارند و گاهی اعمال خشونت شوهران علیه همسران در این خصوص دیده شده است. مضاف بر آن، زنان خود، نیز از تنها بیرون رفتن احساس ناراحتی و ترس دارند، ویمبوش و روجک نیز مفاهیمی چون پدرسالاری، روابط جنسیتی و طبقه را در تحلیل اوقات فراغت زنان دخیل می‌دانند. زوزانک، سن، درآمد، تحصیلات، طبقه‌ی اجتماعی، اشتغال خارج از منزل، تعداد فرزندان و کار خانگی را عوامل مؤثر در اوقات فراغت زنان می‌داند. پارکر نیز اوقات فراغت را آنتی تز کار دستمزدی به عنوان اوقات آزاد الزام‌های بیرونی می‌داند که باعث می‌شود فرد، زمان مذکور را به اعمال انتخابی بگذراند... و تمایزهای تفریحی و چگونگی گذران اوقات فراغت زنان و مردان را ناشی از نقش متمایز آنها می‌داند، همچنین او اذعان می‌دارد که اوقات فراغت زنان نسبت به مردان کمتر بوده و لذا طیف فعالیت‌های تفریحی آنان نیز محدود است، به خصوص زنان کمتر از مردان به ورزش می‌پردازند. به گفته‌ی هی‌وود پژوهش‌ها نشان می‌دهد که

بسیاری از زنان متأهل و مادر از داشتن وقت آزاد و پرداختن به فعالیت‌های فراغتی احساس گناه می‌کنند. در نتیجه، گوش دادن به رادیو و تماشای تلویزیون برای آنها باید با انجام کارهای اضافی خانه مانند اتوکشیدن، شست‌وشو یا کارهای بافتنی همراه باشد. خود زنان نیز غالباً با قبول این موضوع که مردان «کار واقعی» انجام می‌دهند، باعث گسترش اندیشه‌ی پدرسالاری می‌شوند و به مردان حق می‌دهند که اوقات فراغت داشته باشند. همچنین کلارک و کرتیچر دریافتند که زنان وقت کمتری برای اوقات فراغت دارند، در بیشتر فعالیت‌های اوقات فراغت، کمتر شرکت می‌کنند و دامنه‌ی گزینه‌های اوقات فراغت آنان تنگ‌تر است و بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه سپری می‌کنند (رفعت‌جاء، ۱۳۸۲، به نقل از هی‌وود و دیگران، ۱۳۸۰). به تعبیر ویمبوش و تالبوت؛ هندرسون و دیگران، (۱۹۹۸) و دیم، (۱۹۸۷، ۱۹۸۸) زنان تمایل دارند که اوقات فراغت خود را با خانواده همگام کنند و برایشان مشکل است که وقتی را جدای از افراد خانواده برای خود در نظر بگیرند (ماتینگلی و بیانچی، ۲۰۰۳) و فعالیت‌های زنان در خدمت به اعضای خانواده از دید دیگران پنهان است (همان، ۲۰۰۳) به نقل از لئوناردو (دی). همچنین مطالعات زمان تعطیلات که توسط تالبوت، ویمبوش و دیم انجام شده، نشان داده که فعالیت‌های روزهای تعطیلی زنان مشابه روزهای کاری ایشان می‌باشد و تمایزی در آنها دیده نمی‌شود. هرینگتون، داوسون و بولا دریافتند که زنان در اوقات فراغت خود عمدتاً مشغول برطرف کردن نیازهای ابتدایی افراد خانواده هستند. در تحقیقاتی آمده است که با اشتغال زنان و افزایش ساعات کاری ایشان، میزان فراغت ایشان کمتر می‌شود و از آنجا که زنان زمان بیشتری صرف امور خانه و افراد در خانواده می‌کنند، هر ساعت کار ممکن است مقدار بیشتری از

انحراف استاندارد	میانگین	مورد	
۱۵۲/۷۵	۴ ساعت و ۳۳ دقیقه	مردان	میزان اوقات فراغت
۱۶۳/۲۲	۲ ساعت و ۵۹ دقیقه	زنان	
۰/۵۷۷۴	۲/۳۳	مردان	رضایت از فراغت
۰/۵۷۷۴	۱/۳۳	زنان	
-		مردان	محل گذران اوقات فراغت
.	۳۳/۳٪ (۱۰۰ درصد معتبر) بیشتر خانه	زنان	

جدول شماره ۱: تفاوت‌های جنسیتی در اوقات فراغت

میانگین	زنان	میانگین	مردان
۲	خانه	۲/۶	TV
۲/۷	TV	۳/۳۳	معاشرت با دوستان
۳/۴	موسیقی	۳/۳۸	ورزش
۳/۸۱	دوستان	۳/۳۸	خانه
۳/۸۹	مطالعه	۳/۴	مطالعه
۴/۵	معاشرت با اقوام	۴/۶	بازی‌های کامپیوتری
۴/۸	بازی‌های کامپیوتری	۴/۹	پارک
۵/۳	ورزش	۵	معاشرت با اقوام
۵/۶	خرید	۵	موسیقی
۶/۰۶	پارک	۶	خرید
۶/۴	کارهای دستی	۶/۶	کارهای دستی
۶/۶	سفر	۶/۷	سفر
۷/۲	اینترنت	۷/۶	اینترنت
۷/۵	سینما	۷/۶۶	تشکل
۷/۸	تشکل	۸/۵	سینما
۸	رستوران	۱۰	کوه
۹	کوه	۱۰	رستوران
۶/۵	فراغت‌های خانواده‌گرایانه (خانه، دیدار اقوام)	۸/۳۸	فراغت‌های خانواده‌گرایانه (خانه، دیدار اقوام)
۲۶/۹۶	فراغت‌های حرکتی (ورزش، پارک، سفر، کوه)	۲۴/۹۸	فراغت‌های حرکتی (ورزش، پارک، سفر، کوه)
۱۱/۶۹	فراغت‌های هدفمند (مطالعه، تشکل)	۱۱/۰۶	فراغت‌های هدفمند (مطالعه، تشکل)

جدول شماره ۲: اولویت‌های فراغتی در زنان و مردان

فراغت ایشان را کاهش دهد (ماتینگلی و بیانچی، ۲۰۰۳: ۵ به نقل از: بیانچی و دیگران، ۲۰۰۰؛ هاچ چایلد و ماچنگ، ۱۹۸۹؛ کینگستون، ۱۹۸۹) و همچنین هاچ چایلد و ماچنگ نشان دادند، زنان بیشتر تمایل دارند اوقات خود را در خانه بگذرانند. البته یافته‌های متضاد نیز وجود دارد و برخی معتقدند که با این که زنان نسبت به مردان اوقات بیشتری برای امور خانه و فرزندان صرف می‌کنند؛ لیکن به دلیل اشتغال بیشتر مردان در کار بیرون از خانه اوقات فراغت بین زنان و مردان شاغل همسان می‌باشد (ماتینگلی و بیانچی، ۲۰۰۳: ۵ به نقل از: بیتمن و واجمن، ۲۰۰۰ و رابینسون و گادبی، ۱۹۹۹).

فمنیست‌ها مدعی هستند زنان تمایل دارند زمان زیادی برای فرزندان بگذرانند و به این جهت بین ایشان و کسانی که مجرد، غیر شاغل و بدون فرزند هستند، تفاوت‌های زیادی به چشم می‌خورد (ماتینگلی و بیانچی، ۲۰۰۳: ۴). بیهاوگن و کاتزگرو نشان داده‌اند که زنان سوئدی به دلیل اشتغال به تحصیل در رشته‌هایی که بیشتر با فرهنگ متعالی سر و کار دارند، بیش از مردان در فعالیت‌های هنری و فرهنگی مشارکت می‌جویند و این فعالیت را نوعی چالش با قدرت مردان می‌دانند؛ چرا که مشارکت مردان در فرهنگ متعالی همواره سبب کسب مشروعیت برای ایشان بوده و زنان از این طریق با این مشروعیت مقابله می‌کنند (شفیعی، ۱۳۸۶: ۱۳۸).

مبانی تجربی در ایران

بررسی تحقیقات در ایران، عمدتاً ناظر به این موضوع است که میزان اوقات فراغت در زنان کمتر است و در گذران این اوقات نیز تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود. علیرضا مالکی (۱۳۸۸) به تأثیر جنسیت در اوقات فراغت پرداخته و نشان داده پسران بیشتر به فراغت جسمانی و دختران بیشتر به فراغت‌های عملی

توجه دارند. همچنین الهامپور (۱۳۸۲) به تفاوت معنی‌دار جنسیت بر گذران اوقات فراغت اشاره کرده است. رحمانی (۱۳۸۵) نیز تفاوت جنسیتی در ساعات و نوع فراغت بین دختران و پسران را نشان داده است. نابرابری جنسیتی در اوقات فراغت زنان روستایی و تقلیل نقش ایشان به خانه‌داری و بچه‌داری توسط سعید معیدفر (۱۳۸۳) به تصویر کشیده شده است. سمیه شفیعی (۱۳۸۳) به بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت زنان و میزان رضایت مندی ایشان در دانشگاه علامه طباطبایی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مردان به اوقات فراغت همسران خود نظارت داشته و در این زمینه قدرت تصمیم‌گیری دارند و اعمال قدرت می‌کنند، همچنین طبق پژوهشی که فریدون تندنویس در سال ۱۳۸۱ درباره اوقات فراغت زنان شهرنشین ایرانی انجام داده است، میانگین اوقات فراغت زنان حدود سه و نیم ساعت در روز می‌باشد. غالب این زنان ذکر کرده‌اند که به سبب کمبود امکانات و فضاهای مناسب و محدود بودن گزینه‌های اوقات فراغت، بیشتر زنان این اوقات را عمدتاً در خانه طی می‌کنند و میزان رضایت ایشان از گذران این اوقات در سطح متوسط است. بر اساس نتایج پژوهشی هر چه میزان تحصیلات زنان افزایش می‌یابد، و به ویژه در نسل‌های جوان‌تر که سن ازدواج افزایش و تعداد فرزندان کاهش یافته و مشارکت مردان در کارهای خانگی رو به افزایش گذارده و مهمتر از همه با دگرگونی در ارزش‌ها و سبک زندگی که پیش‌تر از آن سخن گفتیم، زنان و دختران جوان شهری وقت بیشتری برای فراغت‌های شخصی فعال و برون‌خانگی، صرف و آن را به فرصتی برای شکوفایی فردی و اجتماعی بدل می‌کنند (رفعت‌جاه، ۱۳۸۲). روش‌شنک یزدان‌پناه (۱۳۸۶) نیز در تحقیق خود تفاوت جنسیتی در اوقات فراغت را نشان داده، به گونه‌ای که فراغت خانواده گرایانه

فراوانی	فرضیه
۱۱	رابطه جنس و میزان اوقات فراغت
۵	رابطه جنس و نحوه گذران اوقات فراغت

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی رابطه‌های متغیرهای زمینه‌ای و نحوه گذران اوقات فراغت

فرضیه	جنسیت و میزان فراغت	جنس و نحوه گذران فراغت
تعداد مطالعه	۱۱	۵
Fixed	۰/۲۲۵	۰/۷۱۱
Weight Fixed	۱۱۴۷/۸۵	۳۰۳/۷۹۵
دامنه‌ی کمترین و بیشترین شدت تأثیر	۰/۱۶۷-۰/۲۸۳	۰/۵۹۹-۰/۸۲۴
میانگین همبستگی	۰/۱۱۶	۰/۳۴۹
Variance	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳
Standard error	۰/۰۳۰	۰/۰۵۷
z-value	۷/۶۲۴	۱۲/۳۹۷
p-value	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
Random	۰/۲۳۶	۰/۷۵۷
Weight Random	۷۴/۹۱	۳۲/۹۷۲
دامنه‌ی کمترین و بیشترین شدت تأثیر	۰/۰۰۹-۰/۴۶۲	۰/۴۱۶-۱/۰۹۹
میانگین همبستگی	۰/۱۲۰	۰/۳۵۲
Variance	۰/۰۱۳	۰/۰۳۰
Standard error	۰/۱۱۵	۰/۱۷۴
z-value	۲/۰۴۰	۴/۳۴۹
p-value	۰/۰۴۱	۰/۰۰۰
Q-Value	۱۳۸/۱۵۲	۳۵/۱۴۴
df(Q)	۱۰	۴
P-value	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
I-squared	۹۲/۷۶۲	۸۸/۶۱۸

جدول شماره ۴: نتایج حاصل از ترکیب کمی داده‌ها در نرم‌افزار Comprehensive Meta analysis

در زنان بیشتر می‌باشد. بنابراین با توجه به ادبیات نظری فوق‌الذکر، فرضیه‌های مقاله عبارتند از:

۱. جنسیت بر میزان و نحوه گذران اوقات فراغت تأثیر دارد.
 ۲. میزان اوقات فراغت زنان از مردان کمتر است.
 ۳. در نحوه گذران اوقات فراغت زنان و مردان، تفاوت وجود دارد.
 ۴. رضایت از اوقات فراغت در زنان کمتر از مردان است.
- در ادامه بعد از معرفی روش تحقیق، به توصیف و آزمون این فرضیه‌ها پرداخته خواهد شد.

روش تحقیق

در این مقاله با استفاده از روش اسنادی و به شیوه فراتحلیل، مطالعات موجود در زمینه اوقات فراغت و عوامل مؤثر بر آن مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری این مطالعه، مقالات و پایان‌نامه‌هایی که به این زمینه اختصاص داشتند بوده است. در منابع استفاده شده در این مقاله چند اولویت لحاظ شده است. اول اینکه پژوهش‌های انجام شده در ۲۰ سال اخیر مورد استفاده قرار گرفته و به دلیل توصیفی بودن غالب تحقیقات پیش از آن، پژوهش‌هایی که متعلق به سال‌های قبل از ۷۰ بوده در نظر گرفته نشده است، در ثانی، تحقیقاتی مورد استفاده قرار گرفته که یا در مقالات علمی پژوهشی چاپ گردیده است و یا پایان‌نامه‌های دفاع شده در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری بوده و پایان‌نامه‌های مقطع لیسانس به دلیل احتمال دقت کمتر کنار گذاشته شده است، همچنین به علت استفاده از نرم‌افزار آماری و نیاز به استفاده از نتایج کمی، تحقیقات کیفی کنار گذاشته شدند و سپس با این اوصاف، ۴۳ مقاله و پایان‌نامه متعلق به دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، آزاد، تربیت معلم و تربیت مدرس ردیابی شده و مورد استفاده قرار گرفته است. در بیان میانگین میزان

فراغت، رضایت از فراغت و محل و نحوه گذران اوقات فراغت از یافته‌های حاصل از spss استفاده شده و زنان و مردان مورد مقایسه قرار گرفته شده‌اند، همچنین به علت استفاده از ابزار آماری -Comprehen sive Meta analysis در این پژوهش و لزوم تکرار متغیرها در حداقل ۵ متغیر، فرضیه‌هایی با متغیرهای تکرار نشده کنار گذاشته شده و فرضیه‌ی تأثیر متغیرهای جنسیت در میزان و نحوه گذران فراغت که از تکرار مورد نیاز برخوردار بود، مورد بررسی نرم افزار مذکور قرار گرفتند. با این توضیح، در بخش اول با استفاده

اختلاف قابل توجهی در میانگین اوقات فراغت زنان و مردان وجود دارد به نحوی که این اوقات، در مردان ۴ ساعت و ۳۳ دقیقه و در زنان ۲ ساعت و ۹۵ دقیقه گزارش شده است.

از یافته‌های توصیفی به میزان فراغت، میزان رضایت، محل گذران اوقات فراغت و اولویت‌های فراغتی در زنان و مردان پرداخته خواهد شد. سپس در بخش دوم به تحلیل آماری متغیر جنسیت بر اوقات فراغت خواهیم پرداخت.

یافته‌های تحقیق

بخش اول: یافته‌های توصیفی: جهت توصیف داده‌ها، اطلاعات جمع‌آوری شده در نرم افزار spss طبقه‌بندی گردیده است.

از میان ۴۳ منبع مورد استفاده ۲۷/۹ درصد تحقیقات مختص زنان، ۱۱/۶

درصد مختص مردان و ۶۰/۵ درصد مربوط به هر دو جنس بوده است.

۱- موضوع مورد مطالعه در رشته‌های مختلف تحصیلی: از بین پژوهش‌های انتخاب شده ۲۸ مورد (۶۵/۱ درصد) به گروه علوم اجتماعی، ۷ مورد (۱۶/۳ درصد) به گروه تربیت‌بدنی، ۲ مورد (۴/۷ درصد) به گروه روان‌شناسی، ۲ مورد (۴/۷ درصد) به گروه مدیریت، ۴ مورد (۹/۳ درصد) به گروه برنامه‌ریزی آموزشی تعلق داشت.

۲- نوع مدرک: از بین پژوهش‌های انتخاب شده ۱۱ مورد (۲۵/۶ درصد) مقاله‌های چاپ شده در مجلات علمی پژوهشی و ۳۲ مورد (۷۴/۴ درصد) پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری می‌باشد.

۳- استان محل اجرا: از بین پژوهش‌های انتخاب شده ۲۳ مورد (۳۵/۵ درصد) در استان تهران، ۲ مورد (۴/۷ درصد) در استان فارس، ۲ مورد (۴/۷ درصد) در سطح کشوری، ۴ مورد (۹/۳ درصد) در استان‌های شمالی، ۱ مورد (۲/۳ درصد) در استان خراسان، ۳ مورد (۷ درصد) در استان زنجان، ۳ مورد (۷ درصد) در استان اصفهان، ۲ مورد (۴/۷ درصد) در استان آذربایجان و ۳ مورد (۷ درصد) در استان‌های جنوبی به اجرا درآمده است.

۴- چارچوب نظری تحقیقات: چارچوب نظری پژوهش‌های مورد نظر در ۶ مورد (۱۴ درصد) بوردیو، ۲ مورد (۴/۷ درصد) گیدنز، ۱ مورد (۲/۳ درصد) هارگریوز، ۱ مورد (۲/۳ درصد) زیمل و رایزن، ۳ مورد (۷ درصد) دومازدیه، ۳ مورد (۷ درصد) نومیر، ۱ مورد (۲/۳ درصد) گرین، ۱ مورد (۲/۳ درصد) پارسونز، ۱ مورد (۲/۳ درصد) تلفیقی بوده است و در ۴۲ مورد (۵۵/۸ درصد) چارچوب نظری به‌طور شفاف ذکر نشده است.

۵- روش تحقیق: ۳۹ مورد (۹۰/۷ درصد) به شیوه پیمایشی و ۴ مورد (۹/۳ درصد) به شیوه اسنادی پیمایشی اجرا شده است.

این تحقیق نیز می‌بینیم محیط خانه و خانواده بر گذران اوقات فراغت زنان اثر داشته است و بالاترین اولویت ایشان را تشکیل می‌دهد. یافته‌های این تحقیق میزان رضایت زنان از فراغت خود را در حد تقریباً کم معرفی کرده‌اند و مشابه این نتایج را در تحقیقات انجام شده توسط گرین، شفییعی و تندنویس مشاهده کردیم.

چنانکه در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود اولویت‌های فراغتی در زنان و مردان یکسان نبوده و فراغت‌های خانواده گرایانه نظیر بودن در خانه و معاشرت با اقوام از اولویت بالاتری برخوردار است، به نحوی که همان‌طور که در جدول می‌بینیم، بالاترین فراغت در زنان، بودن در خانه ذکر شده است و علاقه به موسیقی نیز در زنان بیش از مردان است و تمایل ایشان به فراغت‌های هنری دیده می‌شود. در مورد مردان، ورزش و پارک که از فراغت‌های جسمانی و حرکتی است، نسبت به زنان از اولویت بالاتری برخوردار است (اولویت‌های فراغتی به ترتیب اهمیت از شماره ۱ تا شماره ۱۰ مشخص شده‌اند).

چنان که در جدول فوق می‌بینیم اولویت اول زنان، بودن در خانه می‌باشد و فراغت‌های خانواده گرایانه در ایشان بیشتر است و این موضوع را می‌توان به پابندی بیشتر این قشر به اعضای خانواده، عوامل فرهنگی حاکم بر اجتماع که زنان را بیشتر متعلق به عرصه خصوصی می‌داند، نوع اجتماع پذیری و یا تقسیم کار خانگی ایشان ربط داد. از طرفی فعالیت‌های حرکتی و جسمانی که بیشتر به محیط بیرون از منزل مربوط می‌شود و می‌تواند موجبات سلامتی و شادابی افراد را فراهم آورد در مردان بیشتر مشاهده می‌شود و همین‌طور فراغت‌های هدفمند که در آن امکان رشد و بالندگی بیشتری وجود دارد، در مردان بیشتر است.

بخش دوم: یافته‌های تحلیلی نرم‌افزار



بررسی عوامل مؤثر

بر فراغت، به عنوان

عرصه‌ای که زنانگی

روزمره را بازنمایی

می‌کند و قدرت و

مقاومت را در زندگی

انسان‌ها به نمایش

می‌گذارد، اختیار و

آزادی انسان‌ها در آن

عرصه، قابل اعمال

است و نشانی از

هویت و فرهنگ افراد

هر جامعه دارد، حائز

اهمیت است

۶- ابزار جمع‌آوری اطلاعات: ۳۶ مورد

(۸۳/۷ درصد) پرسشنامه و ۷ مورد (۱۶/۳ درصد) به شیوه‌ی پرسشنامه و مصاحبه به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته‌اند.

۷- چنانکه در جدول شماره‌ی ۱

می‌بینیم اختلاف قابل توجهی در میانگین اوقات فراغت زنان و مردان وجود دارد به نحوی که این اوقات، در مردان ۴ ساعت و ۳۳ دقیقه و در زنان ۲ ساعت و ۵۹ دقیقه گزارش شده است. همچنین میزان رضایت از فراغت در زنان تقریباً کم و در مردان تقریباً متوسط است (میزان رضایت کم با عدد ۱، متوسط با عدد ۲ و زیاد با عدد ۳ نشان داده شده است).

در مورد محل گذران اوقات فراغت، ۳۳/۳ درصد (۱۰۰٪/ معتبر) از زنان (در مجموعه این تحقیقات) که در این گزینه پاسخگو بوده‌اند بدون اختلاف نظر بیشترین محل برای گذران این اوقات را خانه ذکر کرده‌اند. همچنان که دیدیم مارتینگلی و بیانچی، بیتمن و واجمن، گرین، پارکر، هی‌وود، الهام‌پور تأثیر جنسیت بر اوقات فراغت را نشان داده‌اند و در این تحقیق نیز این مورد به اثبات می‌رسد. چنان که هاچ پایلد و ماچنگ، گرین، ماتینگلی و بیانچی، پارکر، هی‌وود مدعی شدند در

Comprehensive Meta analysis

در این بخش با توجه به تنوع روش‌های استفاده شده و گوناگونی آماره‌ها ابتدا تمامی آماره‌ها از طریق فرمول‌های مربوط، به ضریب همبستگی (r) تبدیل شدند و سپس این داده‌ها در نرم‌افزار Comprehensive Meta analysis وارد گردید. شرط ورود داده‌ها و بهره‌گیری از نتایج ترکیب کمی فراتحلیل، حداقل ۵ بار تکرار هر متغیر می‌باشد (از کیا، ۱۳۸۳: ۱۱ به نقل از تامپسون، ۱۹۹۷: ۲۶). بنابراین رابطه‌های با فراوانی کمتر کنار گذاشته شد و رابطه‌ی جنس و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت مدنظر قرار گرفت.

سپس با وارد کردن حجم نمونه‌ها، سطح معنی‌داری، میزان همبستگی و جهت اثر آنها، به ترکیب کمی نتایج دست یافتیم که به قرار زیر است.

تفسیر یافته‌های نرم‌افزار Comprehensive Meta analysis: برای بررسی کمی مطالعات دو روش وجود دارد: «روش نخست شامل ترکیبی از مقادیر احتمال یا نمره‌های استاندارد Z است که راهبردهای آن توسط کوکران (۱۹۳۷)، فیشر (۱۹۳۲)، پرسون (۱۹۳۳)، تیپیت (۱۹۳۱) طرح شده بود... و روش دیگر ترکیب اندازه‌های اثر ضرایب همبستگی یا مشخصه کوهن (۱۹۳۷) است که از نخستین افراد ثراندیک بوده که نتایج مطالعات مختلف را برای استفاده از یک مقدار متوسط همبستگی با یکدیگر ترکیب کرده‌اند (هومن، ۱۳۸۷: ۱۹) و سپس توسط روزنتال و دیگران بسط و گسترش یافته و جهت سهولت کار با چند نرم افزار از جمله Comprehensive Meta analysis قابل بررسی است و ما در این مقاله از روش دوم با نرم افزار مذکور استفاده کرده‌ایم. در فراتحلیل، معمولاً بر روی اندازه‌های اثر تکیه می‌شود؛ در حالی که در پیشینه‌های پژوهش سنتی تأکید بر سطح معنی‌داری، اغلب موجب گمراهی بود. بنابراین در ارائه‌ی یک

تصویر کلی از نتایج یک اقدام پژوهشی، حتی اثرات اندک و غیر معنادار نیز می‌تواند نقش داشته باشد و به این وسیله نتایج دقیق‌تر و متقن‌تری ایجاد می‌شود. ترکیب اندازه‌های اثر نیز با دو مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی امکان‌پذیر است. در مدل ثابت فرض بر این است که مطالعات تحت بررسی در یک اندازه‌ی اثر حقیقی مشترک سهیم هستند و تفاوت‌های اندازه‌ی اثر واقعی تنها ناشی از خطای نمونه‌برداری است. در مدل‌های ثابت واریانس‌های خطای نمونه‌برداری که به عنوان واریانس‌های شرطی معروف است، در ترکیب واقعی داده‌ها به کار می‌رود و برآورد بدون تورش اثر جامعه برابر با میانگین ساده‌ی اثرهای مشاهده شده‌ی مطالعه خواهد بود و خطای استاندارد آن، محاسبه فاصله‌های اعتماد پیرامون آن را امکان‌پذیر می‌سازد. در این مدل می‌توان به این پرسش پاسخ داد که آیا کاربردی در مطالعات موجود مؤثر بوده است یا نه؟ لیکن تعمیم آن به مطالعاتی جز آنها که در نمونه وجود دارد ممکن نیست. در مدل‌های تصادفی تفاوت اندازه‌های اثر تنها ناشی از خطای نمونه‌برداری نیست؛ بلکه ناشی از عامل‌های دیگری مانند خطای اندازه‌گیری و تفاوت‌های ذاتی بین مطالعات است. این رویکرد اگرچه نیرومندی کمتری نسبت به مدل اثرهای ثابت دارد؛ اما اجازه تعمیم پذیری را به مطالعاتی که در نمونه نیست نیز می‌دهد، اگر واریانس اثرهای تصادفی به صورت معنی‌دار با واریانس برآورد (شرطی) تفاوت داشته باشد، این امکان وجود دارد که مدل تصادفی بر مدل ثابت ارجح باشد. هنگامی که منابع همگون باشد، اندازه‌ی اثر نمونه‌ها غالب شده و هر دو مدل به نتیجه‌ی یکسان می‌انجامد و وقتی بین منابع مورد بررسی ناهمگونی معنادار وجود داشته باشد، واریانس بین مطالعه‌ها خیلی بزرگتر از واریانس درون مطالعه‌ها خواهد بود. در تفسیر نتایج، اگر آزمون ناهمگونی معنادار نباشد به این معنی

است که متغیر تعدیل کننده وجود ندارد و سطح معنی‌داری قابل قبول در آزمون ناهمگونی نشان از وجود متغیر تعدیل کننده است. همچنین هرگاه آزمون ناهمگونی در سطح معنی‌دار باشد، به کار بردن مدل تصادفی بر مدل ثابت ارجح است. مجذور ضریب همبستگی بیانگر درصد واریانس متغیر وابسته است که توسط متغیر مستقل تبیین می‌شود و اگر حاصل ضرب واریانس تبیین در واریانس خطا کمتر از مقدار بحرانی ۰/۷۵ باشد نشان از وجود متغیر تعدیل کننده دارد. همچنین بعد از انتخاب مدل اگر P-Val-ue در سطح معنی‌دار باشد، تأثیر مستقل پذیرفته می‌شود و در غیر آن، تأثیر متغیر مستقل رد خواهد شد. در تفسیر اندازه‌ی اثر در صورتی که اندازه‌ی اثر ۰/۲ باشد کم، ۰/۵ باشد اندازه‌ی اثر متوسط و ۰/۸ باشد، اندازه‌ی اثر زیاد را تأیید می‌کند. همچنین اگر اندازه‌ی همبستگی ۰/۱ باشد اندازه‌ی اثر کم، ۰/۲ اندازه‌ی اثر متوسط، و اگر میزان همبستگی ۰/۳ باشد اندازه‌ی اثر بالاست (هومن، ۱۳۸۷). با توجه به توضیحات داده شده، در مورد تأثیر جنسیت بر میزان اوقات فراغت، با توجه به اینکه آزمون ناهمگونی در سطح معنی‌دار است، بنابراین از طرفی نشان دهنده‌ی ترجیح مدل تصادفی بر مدل ثابت است و از طرف دیگر نشان می‌دهد در این رابطه، متغیر تعدیل کننده وجود دارد که قابل بررسی است. اما بررسی آن در این تحقیق امکان پذیر نمی‌باشد. حاصل ضرب مجذور ضریب همبستگی در واریانس خطا بسیار کمتر از مقدار بحرانی ۰/۷۵ است و دلیل دیگری بر وجود متغیر تعدیل کننده می‌باشد. همچنین مقدار P-Value در سطح معنی‌داری قابل قبول، پذیرش متغیر و تأثیر آن را نشان می‌دهد. اندازه‌ی اثر ۰/۲۳۶ در مدل تصادفی و میزان همبستگی ۰/۱۱۶ نشان دهنده‌ی اثر تقریباً کم این متغیر مستقل می‌باشد. در مورد تأثیر جنسیت بر نحوه‌ی گذران اوقات فراغت با توجه به

اینکه آزمون ناهمگونی در سطح معنی‌دار است بنابراین از طرفی نشان دهنده‌ی ترجیح مدل تصادفی بر مدل ثابت است و از طرف دیگر نشان می‌دهد در این رابطه متغیر تعدیل کننده وجود دارد که قابل بررسی است اما بررسی آن در این تحقیق امکان‌پذیر نمی‌باشد. حاصل ضرب مجذور ضریب همبستگی در واریانس خطا بسیار کمتر از مقدار بحرانی $0/75$ است و دلیل دیگری بر وجود متغیر تعدیل کننده می‌باشد. همچنین مقدار P-Value در سطح معنی داری قابل قبول پذیرش متغیر و تأثیر آن را نشان می‌دهد. اندازه اثر $0/757$ در مدل تصادفی و میزان همبستگی $0/349$ نشان دهنده اندازه اثر بالای این متغیر مستقل بر متغیر وابسته می‌باشد. تأثیر جنسیت بر میزان اوقات فراغت و نحوه گذران این اوقات در تحقیقات مرور شده و یافته‌های توصیفی این تحقیق مورد تأیید قرار گرفت و نتایج حاصل از ترکیب اندازه‌های اثر نیز مجدداً این یافته‌ها را تقویت می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

از جمله مقولاتی که در تقسیمات اجتماعی، عمدتاً به نابرابری منتهی می‌شود، جنسیت است که موجبات تفکیک افراد در دو عرصه‌ی جداگانه را فراهم می‌آورد. در این تفکیک جنسیتی، زنان به عنوان افراد آسیب‌پذیر و فرودست معرفی می‌شوند و در حاشیه قرار می‌گیرند. ایشان غالباً در حوزه‌ی خصوصی و خانواده، مسئول مراقبت‌های عاطفی و امور خانگی معرفی می‌شوند و مردان در حوزه‌ی عمومی، کار و سیاست فعال هستند و تحت حمایت حوزه‌ی خصوصی قرار می‌گیرند. عامل جنسیت که می‌تواند زمینه‌ی نابرابری و تبعیض را در عرصه‌های گوناگون اجتماعی فراهم آورد، به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌ی انسانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در گزارش توسعه‌ی انسانی، ایران در نابرابری جنسیتی به عنوان دارنده رتبه ۹۸ با ضریب نابرابری $0/674$

معرفی شده است. توجه به این وضعیت از دو جهت حائز اهمیت است چرا که از طرفی کشورهایی مانند هلند، دانمارک و سوئد دارای کمترین نابرابری جنسیتی با ضریب حدود $0/174$ به چشم می‌خورند و از طرف دیگر حتی در جوامعی که به نظر می‌رسد در فرهنگ، مذهب و جغرافیا شبیه به کشور ما باشند، کشورهایی مانند امارات (رتبه ۴۵)، کویت (رتبه ۴۳)، بحرین (رتبه ۵۵) و اردن (رتبه ۷۶) وجود دارند و بالا رفتن رتبه، حاکی از نابرابری بیشتر میان زنان و مردان در آن جوامع می‌باشد. با توجه به اهمیت موضوع و لزوم تلاش در جهت کاهش نابرابری، این مقاله با محوریت تبیین نابرابری جنسیتی به اوقات فراغت پرداخته است. بررسی عوامل مؤثر بر فراغت، به عنوان عرصه‌ای که زنانگی روزمره را بازنمایی می‌کند و قدرت و مقاومت را در زندگی انسان‌ها به نمایش می‌گذارد، اختیار و آزادی انسان‌ها در آن عرصه، قابل اعمال است و نشانی از هویت و فرهنگ افراد هر جامعه دارد، حائز اهمیت است؛ لیکن به نظر می‌رسد وجود عامل جنسیت و تفاوت‌های موجود در این زمینه سبب ابهام مفهوم فراغت برای زنان شده است. برای تأمل در این مفهوم، چند تعریف از فراغت مطرح می‌شود. از دید براون فراغت دارای این ویژگی است که تحت تأثیر مراسم اجباری و الزامات فرهنگی و اجتماعی نیست و با اراده و اختیار فرد سپری می‌شود و تورکیدستون آن را حالت آرام یک وقار فکورانه می‌داند و دوگرازا آن را آزاد بودن از ضرورت‌ها و الزام‌های زندگی روزمره معرفی می‌کند (رفعت‌جاء، ۱۳۸۴) و به دلیل الزام زنان به امور خانه و خانواده، بودن در خانه به عنوان بالاترین فراغت در زنان، نشان از مبهم بودن این مفهوم نزد زنان دارد. نظریات مطرح شده در رویکرد نظری، متفق‌القول تفاوت جنسیتی در فراغت را به شکل تفاوت در میزان اوقات فراغت، یکسان نبودن گذران اوقات فراغت و

اولویت‌های فراغتی، آمیخته بودن فراغت زنان با کارهای خانگی و نگهداری از فرزندان، تمایل زنان به گذران فراغت در محیط خانه، کم بودن و مبهم بودن فراغت زنان به چالش کشیده بودند و موجب مطرح شدن این سؤال اساسی شد که نابرابری جنسیتی در جامعه‌ی ما چطور اوقات فراغت را تحت تأثیر خود قرار داده است.

اطلاعات این مقاله به شیوه‌ی اسنادی از ۴۳ پایان نامه و مقاله‌ی علمی پژوهشی به عنوان جامعه‌ی آماری برگرفته شده بود و در تجزیه و ترکیب داده‌ها از فراتحلیل استفاده گردید. امروزه فراتحلیل به عنوان شیوه‌ای که ضمن برشمردن نقاط قوت و ضعف تحقیقات، با ترکیب کمی نتایج، توانایی ارزیابی و تحلیل مجدد آنها را فراهم آورده است و زمینه‌ای مناسب برای داشتن برآوردی واحد از تحقیقات متعدد ایجاد می‌کند، مورد استفاده‌ی روزافزون قرار گرفته و از آنجا که به حجم نمونه توجه داشته، اندازه‌های اثر ضعیف و غیر معنی‌دار نیز در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. صرفاً بر سطح معنی‌داری تکیه ندارد و نتایج آن از این رو که ترکیب چند تحقیق پژوهشی است، می‌تواند اطلاعات متقن‌تری به جامعه‌ی علمی عرضه کند. با توجه به یافته‌های حاصل از ترکیب کمی فراتحلیل، دیدیم که جنسیت با اندازه‌ی اثر تقریباً کم، بر میزان اوقات فراغت و با اندازه‌ی اثر زیاد، بر نحوه‌ی گذران آن مؤثر است و این یافته، یافته‌های پیشین گرین، بیانچی و متینگلی، بیتمن و واجمن و ویمبوش و روجک را تأیید می‌کند. در یافته‌های حاصل از فراتحلیل دیدیم که اختلاف قابل توجهی در میانگین اوقات فراغت زنان و مردان وجود دارد به نحوی که این اوقات، در مردان ۴ ساعت و ۳۳ دقیقه و در زنان ۲ ساعت و ۵۹ دقیقه گزارش شده بود، این یافته تحقیقات و نظرات ارائه شده از پارکر، کلارک و کرتیچر، گرین، بیانچی و متینگلی، بیتمن و



واجمن را تأیید می‌کند. همچنین میزان رضایت از فراغت در زنان تقریباً کم و در مردان تقریباً متوسط است؛ چنانچه در تحقیق سمیه شفیعی نیز دیده شد. در مورد محل گذران اوقات فراغت، ۳۳/۳ درصد (۱۰۰٪ معتبر) از زنان که در این گزینه پاسخگو بوده‌اند بدون اختلاف نظر، بیشترین محل برای گذران این اوقات را خانه ذکر کرده‌اند، همان طور که دیدیم هی‌وود، دیم، هندرسون، ویمبوش و تالیوت، گرین در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده بودند که زنان بیشتر تمایل دارند یا مجبور هستند فراغت خویش را در خانه بگذرانند. چنانکه در جدول شماره‌ی ۲ ملاحظه شد اولویت‌های فراغتی در زنان و مردان یکسان نبوده و در زنان فراغت‌های خانواده گرایانه نظیر بودن در خانه و معاشرت با اقوام از اولویت بالاتری برخوردار است، و همان طور که دیدیم بالاترین فراغت در زنان، بودن در خانه ذکر شده بود و در تحقیقات تجربی این یافته منطبق بر یافته‌های پارکر، گرین، بیانچی و متینگلی بود و علاقه به موسیقی نیز در زنان بیش از مردان ذکر شد و در رویکردهای نظری نیز علاقه‌ی زنان به فراغت‌های هنری در تحقیق بیهاوگن و کاتس گرو دیده می‌شود. در مورد مردان نیز دیدیم ورزش، پارک که از فراغت‌های جسمانی و حرکتی است، نسبت به زنان از اولویت بالاتری برخوردار بود. همان طور که در قسمت‌های مختلف دیدیم جنسیت بر اوقات فراغت به عنوان عاملی مؤثر مطرح است. ریشه‌ی این تفاوت‌ها را می‌توان در جامعه‌پذیری متفاوت دختران و پسران که عمدتاً دختران را به حوزه‌ی خصوصی رهنمود می‌شود، عوامل فرهنگی اجتماعی حاکم بر جامعه که زنان را با محدودیت‌هایی مواجه ساخته، عدم آگاهی افراد از اهمیت فراغت و تأثیر این امر بر سلامت افراد و کیفیت زندگی ایشان، آسیب‌زا بودن محیط بیرون از خانه برای زنان و وجود هراس منتج از آن در ایشان، تسلط مردان

بر وقت افراد خانواده از جمله زنان و ایجاد محدودیت‌هایی از طرف ایشان، تقسیم کار خانگی و ذات تمام ناشدنی امور خانه و خانواده جستجو کرد. اما علی‌رغم به حاشیه رانده شدن زنان، به نظر می‌رسد، وجود دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی در دهه‌های اخیر، اشتغال زنان، افزایش تحصیلات در ایشان و ورود به عرصه‌ی عمومی موجب شده که زنان تا حدودی حصار محدود خانه‌ها را شکسته‌اند و با این تغییر، چنان که دیدیم اولویت‌های فراغتی زنان و مردان در بعضی جهات در حال شبیه به هم شدن است و با وجود این که در حال حاضر بیشتر فعالیت‌ها و اوقات فراغت زنان، خصوصی و خانه محور است، در هر حال این تغییرات، حضور زنان در عرصه‌های شهری را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد و فراوانی آن در آینده بیشتر خواهد شد و بر جامعه‌ی علمی و گروه‌های مرجع است که ضمن زمینه‌سازی برای زنان، با ایجاد جامعه‌پذیری متفاوت در افراد از طریق نهاد خانواده و آموزش، ایجاد آگاهی در افراد اعم از زن و مرد، تجدیدنظر در تقسیم کار خانگی و امور خانه‌داری و نگهداری از فرزندان، ایجاد معیارهایی مغایر با سلطه‌ی مرد بر زن، راه‌های آسیب بر زنان را مسدود کنند و زمینه‌ی

وجود دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی در دهه‌های اخیر، اشتغال زنان، افزایش تحصیلات در ایشان و ورود به عرصه‌ی عمومی موجب شده که زنان تا حدودی حصار محدود خانه‌ها را شکسته‌اند و با این تغییر، چنان که دیدیم اولویت‌های فراغتی زنان و مردان در بعضی جهات در حال شبیه به هم شدن است

مناسب را برای ایاد فراغت‌های حرکتی جسمانی و فعالیت‌های هدفمند فراهم نمایند. به‌ویژه در زمینه‌ی ایجاد فضاها و امکانات فراغتی برای زنان، لازم است برنامه‌ریزان به نیازهای آنان توجه نموده، در جهت گسترش فضاهای فراغتی عمومی نظیر ورزشگاه‌ها، فرهنگسراها و مراکز تفریحی مناسب با علایق زنان اقدام نمایند تا امکان گسترش فراغت‌های سالم که موجب رشد و بالندگی می‌شود، فراهم آید و انرژی ایشان در فراغت‌های آسیب‌زا، مصرف‌گرایی و مدگرایی افراطی به هدر نرود.

منابع

- ازکیا، مصطفی و محمود توکلی، (۱۳۸۵). فراتحلیل مطالعات رضایت شغلی در سازمان‌های آموزشی. **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۷، بهار رفعت‌جاء، مریم، (۱۳۸۴). جنسیت و اوقات فراغت در عرصه‌های زندگی شهری. فصل‌نامه **انسان‌شناسی**، شماره ۴: ۶۱-۷۳
- صالحی، رضا، (۱۳۸۶). **الگوهای سبک زندگی ایرانیان**. تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک: مؤسسه انتشاراتی کمیل، مقاله شفيعی، سمیه، **مطالعات جنسیتی اوقات فراغت به سوی تبیین سبک زندگی**: ۱۷۴-۱۳۱
- صدیق سروستانی، رحمتا... (۱۳۷۹). فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۷۹: ۶۷-۱۰۳
- کوهستانی، حسینعلی و خلیل‌زاده، (۱۳۸۷). **پژوهشی در اوقات فراغت و راه‌های بهره‌وری از آن**. مشهد: نشر تیهو
- معیدفر، سعید. (۱۳۸۳). تمایز جنسی روستاییان در کار فراغت فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی. **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره پنجم، شماره ۲: ۱۷۹-۲۰۰
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۷). **راهنمای علمی فراتحلیل در پژوهش علمی**. تهران: سمت
- Mattingly, Marybeth j., Bianchi, Suzanne m., 2003, gender difference in the quantity and Quality of free time: the u.s. experience, social forces, volume 81, number 3, Narch 2003: 999-1030
- J. Maume, David, 2006, Gender Differences in Taking Vacation Time, Work and Occupation, volume 23,

number 2, May 2006: 161-190
WHO REPORT 2009-

مقالات و پایان‌نامه‌های مورد استفاده

- ارفعی عین آبادی، رضا. (۱۳۸۸). بررسی رابطه نحوه گذران اوقات فراغت و سلامت اجتماعی جوانان شهر بستان آباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی. استاد راهنما: جعفر هزارجریبی. استاد مشاور: عزت... سام آرام
- اشرف الکتابی، منوچهر. (۱۳۷۹). بررسی تغییرات اوقات فراغت در خانواده‌های شهر تهران طی سه نسل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی. استاد راهنما: جعفر هزارجریبی. استاد مشاور: عزت... سام آرام
- اعظمی، مهدی. (۱۳۷۳). بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه شهرهای شمال خراسان با تأکید بر فعالیت‌های بدنی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی. استاد راهنما: علی محمد امیرتاش. استاد مشاور: امیر احمد مظفری
- الهام‌پور، حسین و محمدجعفر پاک‌سرشت. (۱۳۸۲). بررسی الگوی گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران. **مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز**، دوره سوم، سال دهم، شماره ۳ و ۴: ۳۹-۶۲
- برازنده‌تر، علیرضا. (۱۳۷۶). بررسی عوامل مؤثر بر چگونگی اوقات فراغت کارمندان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در مقطع زمانی ۱۳۷۶-۱۳۷۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی. استاد راهنما: جعفر سخاوت. استاد مشاور: دکتر پیران
- بیوک آقازاده، بهروز. (۱۳۸۴). مطالعه و بررسی میزان ساعات و نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه پیام نور مشکین شهر و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: مهرداد نوابخش. استاد مشاور: سیفا... سیفاللهی
- پوراگردی، علی مهدی. (۱۳۸۵). چگونگی گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان مقطع متوسطه در شهرستان نکا و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی. استاد راهنما: سید احمد حسینی. استاد مشاور: محمد زاهدی اصل
- پورحسین، محمد. (۱۳۸۷). بررسی وضعیت اوقات فراغت دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی و راه‌های غنی‌سازی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد. استاد راهنما: صمد کریم‌زاده. استاد مشاور: فتاح ناظم. تمیز، رقیه. (۱۳۸۸). بررسی جامعه‌شناختی،

- آسیب‌شناسی اوقات فراغت جوانان شهر تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش. استاد راهنما: محمدصادق مهدوی. استاد مشاور: مهرداد نوابخش
- تیبیا، مجتبی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه پایگاه اجتماعی اقتصادی و چگونگی گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان جوان ۱۸-۲۹ ساله. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی. استاد راهنما: غلامرضا لطیفی. استاد مشاور: جعفر هزارجریبی
- تندنویس، فریدون. جایگاه ورزش در اوقات فراغت مردم ایران. **مجله پژوهش در علوم رفتاری**، شماره چهارم: ۱۳۳-۱۱۵
- تندنویس، فریدون. (۱۳۸۰). جایگاه ورزش در اوقات فراغت زنان ایرانی. **مجله حرکت**، شماره ۱۲: ۸۷-۱۰۴
- جزدراهی، سیده منیژه. (۱۳۷۸). بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: امان... قرایی مقدم. استاد مشاور: علی دلاور
- جعفری چپین، افسر و فاطمه شب‌خیز و مرضیه مشهوری. (۱۳۸۵). بررسی میزان اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه تهران با تأکید بر تربیت بدنی. **مجله حرکت**، شماره ۲۷: ۱۱۶-۱۰۳
- جعفری، سید جلال. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر چگونگی گذران اوقات فراغت معلمان شهر رشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی. استاد راهنما: محمدتقی شیخی. استاد مشاور: محمدصادق مهدوی
- حاج عبدالباقی، زهرا. (۱۳۸۵). بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان متوسطه شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: دکتر وارسته‌فر. استاد مشاور: حبیب... زنجانی
- خواججه‌نوری، بیژن و علی‌اصغر مقدس. (۱۳۸۷). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت؛ مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آباد. **مجله پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی**،
- دارویی، مهشید. (۱۳۷۸). بررسی نحوه گذران اوقات فراغت اساتید دانشگاه‌های شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: غلامرضا احمدی. استاد مشاور: آذر قلی‌زاده
- رادمند، جمشید. (۱۳۸۵). بررسی نحوه گذران اوقات فراغت و عوامل مؤثر بر آن در دانش‌آموزان پسر و دختر مقطع متوسطه شهرستان رامسر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. استاد راهنما: سوزان امامی‌پور. استاد مشاور: مهدیه صالحی

ربانی، رسول و حامد شیرزی. (۱۳۸۸). اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۸، زمستان: ۲۴۴-۲۰۹

رحمانی، احمد و محمد پوررنجبر و طیبه بخشی‌نیا. (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه‌های زنجان با تأکید بر نقش تربیت بدنی و ورزش. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره پنجم، شماره سوم، پاییز: ۲۱۶-۲۰۹

رضایی، شمس‌الدین. (۱۳۸۸). مطالعه و شناخت علایق، انگیزه‌ها و تنگناهای گذران اوقات فراغت اساتید دانشجویان و کارکنان دانشگاه تربیت مدرس و جایگاه ورزش در آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی دانشگاه تربیت مدرس. استاد راهنما: محمد احسانی. استاد مشاور: هاشم کوزه‌چیان

رفعت‌جاء، مریم. (۱۳۸۳). زنان و بازتعریف هویت اجتماعی. پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران. استاد راهنما: باقر ساروخانی. استاد مشاور: غلامعباس توسلی، تقی آزادارمکی

زواره، انسویه. (۱۳۸۶). رابطه میان سبک زندگی و وضعیت سلامت زنان خانه‌دار شهر تهران در دو منطقه شمال و جنوب تهران همراه با سنجش میزان آگاهی از حق سلامت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس. استاد راهنما: ملیحه شیانی. استاد مشاور: محمد صادقی

سازگارا، پروین. (۱۳۸۲). بررسی سبک زندگی قشر دانشگاهی بازاریان سنتی (طبقه متوسط جدید و قدیم). پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران. استاد راهنما: رحمتا... صدیق سروستانی. استاد مشاور: غلامعباس توسلی، باقر ساروخانی

سلاطینی، سحر. (۱۳۸۵). بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت زنان متأهل و ارتباط آن با میزان رضایت‌مندی از زندگی زناشویی در شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی. استاد راهنما: دکتر مهدی راد. استاد مشاور: محمدسعید ذکالی

شفیعی، سمیه. (۱۳۸۳). بررسی میزان رضامندی زنان از چگونگی گذران اوقات فراغت و عوامل مرتبط با آن؛ مورد: کارکنان و اساتید دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۸۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی. استاد راهنما: طاهره قادری. استاد مشاور: شیرین احمدنیا

شعبان‌زاده، مهناز. (۱۳۸۴). بررسی رابطه قشریندی اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت در بین دانش‌آموزان دختر شهرستان لنگرود. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی اجتماعی.

استاد راهنما: نادر سالارزاده. استاد مشاور: حسین‌علی شیرزادی

شکری، بهنام. (۱۳۸۰). تأثیر متغیرهای اجتماعی بر چگونگی اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی. استاد راهنما: منصور قنادان. استاد مشاور: محمدتقی شیخی

صالحی، نظر‌علی. (۱۳۷۷). بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت کارکنان اداره کل شیلات استان گیلان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی. استاد راهنما: محمد زاهدی اصل. استاد مشاور: دکتر سخاوت صفانیا، علی‌محمد. (۱۳۸۰). نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه‌های آزاد اسلامی کشور با تأکید بر فعالیت‌های ورزشی. مجله حرکت، شماره ۹، ۱۴۰-۱۲۷

عباسی، حشمتا... (۱۳۹۱). بررسی میزان و شیوه‌های گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهرستان زنجان و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: ابراهیم گلشن

عبادی، سلمان. (۱۳۷۹). گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه هندجیان و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد امور فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی. استاد راهنما: محمدجواد زاهدی اصل. استاد مشاور: اکبر شریفیان

فلاح، مهدی. (۱۳۸۷). بررسی سبک زندگی جوانان در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم. استاد راهنما: بیژن زارع. استاد مشاور: عباس وریچ کاظمی

قائم، هاله و نرگس محمدی و ابوالفضل محمدیگی. (۱۳۸۷). چگونگی گذران اوقات فراغت و همبسته‌های آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. بهار و تابستان ۱، ۸۰-۷۱

کشکر، سارا و محمد احسانی. (۱۳۸۶). بررسی اهمیت عوامل بازدارنده زنان تهران از مشارکت در ورزش تفریحی با توجه به متغیر خصوصیات فردی. مطالعات زنان، سال ۵، شماره ۲، پاییز: ۱۳۴-۱۱۳

کشاورزبان، بانو. (۱۳۸۲). بررسی نحوه گذران اوقات فراغت مدیران و کارکنان شرکت ملی فولاد ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: هدایتا... نقیبی. استاد مشاور: تقی پورظهیر

گوشبر، فرهاد. (۱۳۸۴). طبقه اجتماعی و سبک زندگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران. استاد راهنما: رحمتا... صدیق سروستانی. استاد مشاور: غلامعباس توسلی

مالکی مزاری، علیرضا. (۱۳۸۸). بررسی رابطه نظام ارزشی و نحوه گذران اوقات فراغت در شهرستان دشت آزادگان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه تربیت معلم. استاد راهنما: بیژن زارع. استاد مشاور: فاطمه جواهری

مجدالدین، اکبر. (۱۳۷۶). بررسی ساختار ارزش ایستار رزمندگان در دو مقطع جنگ و پس از جنگ با تأکید بر نحوه گذران اوقات فراغت. پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران. استاد راهنما: باقر ساروخانی. استاد مشاور: منصور وثوقی، تقی آزادارمکی

محمدی، سیده عقیله. (۱۳۸۶). رابطه بین سبک زندگی و نگرش هویت جنسیتی در بین دو نسل مادران و دختران. پژوهشکده تحقیقات استراتژیک. الگوهای سبک زندگی ایرانیان، تهران: موسسه انتشاراتی کمیل: ۲۷۱-۲۲۷

مهدی‌پور، عبدالرحمن. (۱۳۷۲). بررسی جایگاه تربیت بدنی و ورزش در گذران اوقات فراغت دانشجویان پسر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی شهر تهران و تحلیل عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی دانشگاه تربیت مدرس. استاد راهنما: مصطفی عسگریان. استاد مشاور: هاشم کوزه‌چیان

میرهاشمی، مالک و بهنام شکری و دیگران. (۶۸۳۱). مدت و نحوه گذران اوقات فراغت کارکنان اداری دانشگاه آزاد اسلامی. دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره ۱۳، بهار: ۹۸-۷۷

یزدان‌پناه سامانی، روشنگر. (۱۳۸۶). مطالعه‌ی عوامل اجتماعی مؤثر بر چگونگی شکل‌گیری و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت زنان متأهل ۵۹-۲۵ ساله شهرستان ارومیه در سال ۸۶. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: مریم رفعت‌جاء. استاد مشاور: شهلا کاظمی‌پور

برگرفته از:

فصلنامه علمی- پژوهشی تحلیل اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی